

بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی در نوجوانان پسر (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله)

شهرستان کامیاران

محمد صالح نصرتی

پژوهش حاضر به بررسی رابطه تحولی پایگاه‌های هویتی با میزان دلبستگی ایمن به چهره‌های دلبستگی (پدر، مادر و همسالان) نوجوانان پسر سنین ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله شهرستان کامیاران می‌پردازد. به این منظور از میان دانش‌آموزان پایه‌های سوم راهنمایی، دوم دبیرستان و دوره پیش دانشگاهی به صورت تصادفی چند مرحله‌ای ۳۵۴ نفر مورد آزمون قرار گرفتند و در نهایت ۳۱۲ نفر از آنها به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه پایگاه هویتی من (EOM-EIS2) و پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) می‌باشد. برای آزمون سؤالات از آزمون تحلیل واریانس دو راهه و آزمون مجذور کای استفاده شد. نتایج نشان داد که تعامل سن و پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی ایمن به چهره‌های دلبستگی در ارتباط می‌باشد. در مجموع بیشترین و کمترین دلبستگی ایمن به چهره‌های دلبستگی در این تحقیق به ترتیب متعلق به پایگاه‌های پیش رس و سردرگم می‌باشد؛ نتایج نشان داد که در پایگاه هویت پیش‌رس، دلبستگی ایمن به والدین در سن ۱۸ سال کاهش پیدا می‌کند؛ در حالی که در پایگاه‌های هویتی مطلوب (در حال هویت یابی و موفق) حداقل ثابت

می‌ماند. دلبستگی ایمن به همسالان نیز در پایگاه‌های هویت پیش‌رس و مطلوب در سن ۱۸ سال به بیشترین حد خود می‌رسد.

مفاهیم کلیدی: پایگاه‌های هویت، دلبستگی، چهره دلبستگی، نوجوان.

مقدمه

ورود به دوره نوجوانی با تغییرات مهمی از جمله بلوغ جنسی، روابط صمیمانه با همسالان، رفتار ریسک کردن و توانایی‌های جدید شناختی همراه است؛ این تغییرات انبوه، نوجوان را وادار می‌سازد که به یگانگی و ثبات در تعریف خود بیندیشد و به دنبال آن باشد که هویت^۱ خود را مستقل از دیگران تشکیل دهد (بریگر، ۲۰۰۱).

برای اولین بار موضوع هویت به صورت دقیق توسط اریک اریکسون در سال ۱۹۵۰ مطرح شد؛ او تحول شخصیت انسان را از تولد تا پیری در هشت مرحله ترسیم نمود. در هر مرحله فرد با تعارض خاصی روبه‌رو می‌شود؛ در نتیجه حل آن تعارض، تحول بهنجار شخصیت امکان‌پذیر است. پنجمین مرحله تحول شخصیت در نظریه او «وحدت هویت»^۲ در برابر «سردرگمی در نقش»^۳ می‌باشد (رحیمی نژاد، ۱۳۷۹).

مارسیا (۱۹۶۶) به‌طور تجربی تعارض هویت در برابر سردرگمی در نقش اریکسون را با دقت تشریح نمود و چهار جنبه یا راه حل (پایگاه‌های هویت)^۴ را براساس دو بعد جستجوگری^۵ و تعهد^۶ نسبت به نقشهای اجتماعی توصیف نمود. جستجوگری به زمانهایی اشاره دارد که در آن نوجوان به‌طور فعالی درگیر انتخاب متناوبی بین شغلها و اعتقادات مختلف است و تعهد به موفقیت فرد در سرمایه‌گذاری در شغل و اعتقادات خاص اطلاق می‌شود (دمبو، ۱۹۹۴ به نقل از آقاجانی، ۱۳۸۰).

در پایگاه هویت موفق^۷ فرد دوره جستجوگری را پشت سر گذاشته و به ارزشها و اهداف خاصی متعهد شده است؛ در پایگاه در حال هویت‌یابی، فرد در دوره جستجوگری است اما هنوز به تعهدات مخصوص خود متعهد نشده است. در پایگاه

1. Identity

2. Identity cohesion

3. Identity diffusion

4. Identity status

5. Exploration

6. Commitment

7. Achievement Identity

هویت پیش رس^۱، فرد بدون آنکه جستجوگری داشته باشد، به ارزشها و اعتقادات پذیرفته شده والدین و دیگر افراد، متعهد شده است و بالاخره در پایگاه هویت سردرگم^۲، فرد نه جستجوگری داشته و نه به تعهدات خاص خود رسیده است (مارسیا، ۱۹۶۶).

از طرفی نظریه دلبستگی^۳ که توسط بالبی (۱۹۶۹) مطرح شد؛ دلبستگی را یک نیاز جهانی و متعلق به هر انسان می‌داند؛ هرکسی احتیاج دارد روابط صمیمانه‌ای با دیگران برقرار سازد. طبق این نظریه، این روابط سبب می‌شود که فرد با احساس امنیت و آسایش در دنیای درون و بیرون خود به جستجوگری بپردازد (به نقل از ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹).

در کودکی روابط دلبستگی تنها با مراقبان اولیه کودک شکل می‌گیرد اما از دوره نوجوانی به بعد روابط دلبستگی به همسالان و دیگر افراد جامعه گسترش (بارا و کیجا، ۲۰۰۲). و به همین دلیل هویت و شکل‌گیری آن در نوجوانی ارتباط تنگاتنگی با دیدگاه‌های والدین و همسالان نسبت به نوجوان دارد و میزان صمیمیت و روابط عاطفی آنها با نوجوان در تحول هویت مؤثر خواهد بود؛ خانواده‌هایی که حمایت عاطفی و آزادی جستجوگری را برای نوجوان فراهم می‌سازند؛ پایگاه امنی را در جهت جستجوگری فرد در دنیای وسیعتر و در نتیجه شکل‌گیری هویت او فراهم می‌سازند (لطف آبادی، ۱۳۷۹).

در مقابل تشکیل هویت نیز در این دوره می‌تواند بر روابط دلبستگی فرد تأثیر بگذارد؛ چرا که در این سن نوجوان روابط اولیه خود را بازنگری می‌کند و به همین دلیل میزان دلبستگی ایمن او نسبت به دیگران به خصوص والدین تغییر می‌کند (زیمرمن و بیکر، ۲۰۰۲).

هم پایگاه‌های هویت و هم دلبستگی با افزایش سن افراد تغییر می‌یابد؛ افراد با افزایش سن از پایگاه‌های هویت نامطلوب (سردرگم و پیش رس) به پایگاه‌های هویتی مطلوب و پیشرفته (در حال هویت یابی و موفق) قدم می‌گذارند و معمولاً در اواخر نوجوانی است که افراد به هویت موفق دست پیدا می‌کنند (استیرگ، ۱۹۹۹). میزان دلبستگی ایمن افراد نیز در نوجوانی به دلیل ظهور روابط دلبستگی جدید با همسالان و

1. Foreclosure
3. Attachment

2. Diffusion identity

دیگر افراد دستخوش تغییر می‌شود (پارا و کیجا، ۲۰۰۲). در تحقیقات متعددی رابطه بین دو سازه هویت و دلبستگی مورد مطالعه قرار گرفته است؛ نتایج این تحقیقات متفاوت است. در بعضی از این تحقیقات بین دلبستگی ایمن و پایگاه هویت موفق رابطه مثبت و بین دلبستگی ایمن و پایگاه هویت سردرگم رابطه منفی به دست آمده است (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹ و زیمرمن و بیکر، ۲۰۰۲). تحقیقات دیگر بین دلبستگی ایمن و پایگاه هویت پیش رس رابطه مثبتی به دست آورده‌اند (کامپل و همکاران، ۱۹۸۴ و اسکالتیس و بلوستین، ۱۹۹۴؛ به نقل از سامولیس و همکاران، ۲۰۰۱). در بعضی از تحقیقات نیز هیچ‌گونه رابطه‌ای بین این دو سازه به دست نیامده است (کوانتانو و لاپسلی، ۱۹۸۷؛ کروگر و هاسلت، ۱۹۸۸ و فرانک و همکاران، ۱۹۹۰؛ به نقل از ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹).

با توجه به تفاوت در نتایج تحقیقات انجام شده در خارج از کشور و همچنین انجام نگرفتن چنین تحقیقی در داخل کشور به نظر رسد که انجام چنین تحقیقی می‌تواند مفید باشد؛ البته در این تحقیق برخلاف تحقیقات انجام گرفته قبلی ارتباط بین این دو سازه به صورت تحولی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این تحقیق بر روی نوجوانان سه گروه سنی ۱۶، ۱۴ و ۱۸ سال صورت می‌گیرد؛ سؤال این است که آیا تعامل پایگاه‌های هویت و سن می‌تواند با میزان دلبستگی ایمن نوجوانان نسبت به والدین و همسالان مرتبط باشد. و بالاخره آیا نوجوانان مورد مطالعه از لحاظ هویتی در جهتی به‌نجار تحول می‌یابند یا نه؟

روش تحقیق

جامعه مورد نظر در این تحقیق تمامی دانش آموزان پسر ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله شهرستان کامیاران می‌باشد که در پایه‌های سوم راهنمایی، دوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در سال تحصیلی ۸۳ / ۸۲ به تحصیل اشتغال داشتند؛ این عده ۱۴۸۱ نفر می‌باشند. به‌منظور نمونه‌گیری، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای ابتدا از میان تمام مدارس که پایه‌های موردنظر را دارا بودند، مدرسه راهنمایی، ۴ دبیرستان و تنها مرکز پیش‌دانشگاهی شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شد. از میان کلاسهای مدارس راهنمایی و دبیرستان و دوره پیش‌دانشگاهی یک کلاس به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. در سه گروه سنی ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سال طبقه‌بندی شدند؛ که

بدین ترتیب ۳۱۲ نفر به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. که در ابتدا آزمون EOMEIS2^۱ بر روی افراد یک کلاس انجام می شد و پس از آنکه همگی به این پرسشنامه پاسخ دادند، پرسشنامه IPPA^۲ نیز در اختیار آنها قرار داده شد.

ابزار پژوهش

الف - آزمون عینی پایگاه هویت من (Eom - EIS2)

به منظور تعیین پایگاه هویتی آزمودنیها، از آزمون عینی پایگاه هویت من (Eom - EIS2) تهیه شده توسط بنیون و آدامز (۱۹۸۹) استفاده گردید. این پرسشنامه ۶۴ سؤال دارد. برای هر کدام از خرده مقیاسها سردرگم، پیش رس، در حال هویت یابی و موفق ۱۶ سؤال مطرح شده است. آزمودنیها برای پاسخ به این سؤالات از یک مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرتی از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق استفاده می کنند. بعد از پاسخ به سؤالات می توان پایگاه هویتی فرد را تعیین نمود. پایایی این آزمون از طریق آلفای کرونباخ که بر روی یک نمونه ۲۸ نفری مرکب از دانش آموزان سه پایه تحصیلی برآورد شد که برای پایگاه هویت موفق ۸۱٪، در حال هویت یابی ۶۵٪، هویت پیش رس ۷۲٪ و هویت سردرگم ۵۱٪ به دست آمد.

ب - پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA)

به منظور بررسی میزان دلبستگی ایمن به والدین و همسالان از پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) استفاده شد. این آزمون توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) تهیه شده است و دارای ۷۵ سؤال می باشد که هر ۲۵ سؤال از آن مربوط به دلبستگی به پدر، مادر و همسالان است. میزان دلبستگی با پرسشهایی در سه زمینه «اعتماد»، «ارتباط» و «بیگانگی» سنجیده می شود.

پایایی مربوط به این آزمون در تحقیق حاضر از طریق روش ثبات درونی برحسب ضریب آلفای کرونباخ که بر روی یک نمونه ۳۰ نفری مشتکل از دانش آموزان سه پایه (سوم راهنمایی، دوم دبیرستان و دوره پیش دانشگاهی) به تعداد مساوی عبارت بود از دلبستگی به مادر ۸۲٪، دلبستگی به پدر ۸۳٪ و دلبستگی به همسالان ۹۲٪.

1. Extended objective measure of ego identity status 2

2. Inventory of parents and peer attachmet

طرح پژوهش

روش به کار برده شده در این تحقیق از نوع علی - مقابسه‌ای می‌باشد. در تحقیق حاضر با توجه به این‌که پایگاه‌های هویتی و سازمان دلبستگی افراد از قبل شکل گرفته است و محقق تنها به مطالعه نتایج آن می‌پردازد؛ این روش مناسب به نظر می‌رسد.

نتایج

دانش‌آموزان گروه نمونه در سه گروه سنی ۱۳/۵ - ۱۴/۵، ۱۵/۵ - ۱۶/۵ و ۱۷/۵ - ۱۸/۵ سال طبقه بندی شدند که در جدول شماره شماره (۱) دیده می‌شود. (برای رعایت اختصار سنین موردنظر با سنین ۱۴، ۱۶ و ۱۸ سال نشان داده می‌شوند).

جدول شماره ۱. چگونگی توزیع افراد نمونه در سنین مختلف

کل	غیره *	۱۸	۱۶	۱۴	سن / پایه تحصیلی
۱۳۰	۱۰	۱	۱۵	۱۰۴	سوم راهنمایی
۱۰۹	۱۶	۳	۸۷	۳	دوم دبیرستان
۱/۵	۱۶	۹۷	۲	۰	پیش‌دانشگاهی
۳۵۴	۴۲	۱۰۱	۱۰۴	۱۰۷	کل

* در این ستون دانش‌آموزانی واقع شده‌اند که در هیچ کدام از سنین مورد مطالعه قرار ندارند.

جدول شماره (۲) چگونگی توزیع دانش‌آموزان را برحسب سن و پایگاه هویتی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. چگونگی توزیع افراد نمونه با توجه به سن و پایگاه‌های هویت

کل	موفق		در حال		پیش‌درس		سردرگم		پایگاه هویت
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۰/۹	۱	۲۳/۴	۲۵	۵۰/۵	۵۴	۲۵/۲	۲۷	شاخص
۱۰۰	۳/۸	۴	۳۳/۶	۳۵	۳۹/۴	۴۱	۲۳/۲	۲۴	سن
۱۰۰	۷/۹	۸	۶۰/۴	۶۱	۱۰/۹	۱۱	۲۰/۸	۲۱	
۱۰۰	۴/۵	۱۳	۴۰/۳	۱۲۱	۳۲/۳	۱۰۶	۲۲/۹	۷۲	کل

شناخته‌های توصیفی دل‌بستگی به چهره‌های دل‌بستگی بر حسب سن و پایگاه‌های هویتی در جدول شماره (۳) آمده است.

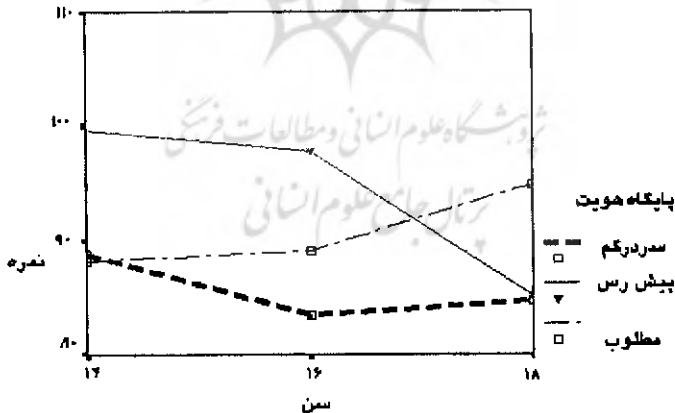
جدول شماره ۳. شاخصهای توصیفی دبستگی به چهره‌های دبستگی برحسب سن و پایگاه هویت در افراد نمونه

پایگاه هویت		سردرگم			پیش رس			در حال هویت یابی			موفق		سن		جمهور دبستگی	
استان	میانگین	۸۹/۰۲	۷۹/۶۱	۸۵/۰۹	۸۷/۰۳	۹۰/۵۴	۸۹/۰۲	۸۴/۲۸	۸۷/۵۲	۸۴/۳۱	۸۴/۵	۸۴	۹۴/۵	۱۰۴/۵	۱۰۴/۵	۸۴
	انحراف استاندارد	۱۰/۲۷	۱۵/۵۴	۴/۹۴	۱۱/۱۱	۳۳/۵	۱۵/۵۲	۱۰/۹۸	۱۲/۰۲	۱۳/۰۱	۱۳/۰۱	-	۱	۱۰۴/۵	۱۰۴/۵	۸۴
شهر	میانگین	۸۹/۸	۷۵/۴	۸۲/۴۲	۸۳/۵۱	۹۴/۷۹	۹۴/۷۹	۹۵/۵۸	۹۵/۵۸	۹۱/۸۸	۹۰/۶۲	۹۴	۸۹	۸۹	۸۷	۹۴
	انحراف استاندارد	۱۲/۳۷	۱۱/۳۱	۲۵/۴۸	۱۸/۱۷	۲۷/۵۴	۲۷/۵۴	۱۳/۷۸	۱۶/۲۳	۱۹/۳	۱۷/۹۲	-	۴/۵۴	۴/۵۴	۴/۵۴	۴/۵۴
کتاب	میانگین	۸۸/۷۴	۸۳/۴۱	۸۴/۶۵	۸۵/۵۷	۹۹/۶۵	۹۷/۶۵	۹۷/۲۸	۹۷/۲۸	۹۲/۰۱	۹۱/۶۲	۹۷	۹۳/۶۹	۱۰۰/۵۷	۱۰۰/۵۷	۹۷
	انحراف استاندارد	۸/۲۷	۸/۷۸	۱۷/۵۳	۱۱/۸۲	۸/۸۴	۴/۹۲	۱۶/۰۹	۱۶/۰۹	۱۶/۰۹	۱۶/۰۹	-	۱۳/۰۲	۷/۸۷	۷/۸۷	۱۳/۰۲

نتایج تحلیل واریانس دو راهه در ارتباط با مادر نشان می‌دهد که میزان ایمنی دلبستگی به مادر در پایگاه‌های هویت در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت دارد. میزان ایمنی دلبستگی به مادر در سنین مختلف در سطح معناداری با هم تفاوت ندارد. در سطح ۰/۰۰۱ تعامل سن و پایگاه‌های هویت با دلبستگی به مادر مرتبط هستند جدول شماره (۴). ارتباط تعاملی سن و پایگاه‌های هویت با میزان ایمنی دلبستگی به مادر در نمودار شماره (۱) آورده شده است.

جدول شماره ۴. نتایج تحلیل واریانس دو راهه نمرات دلبستگی به مادر براساس سن و پایگاه هویت در افراد نمونه

شاخص / منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پایگاه هویت	۲	۲۵۱۷/۹۶	۱۲۵۸/۹۸	۷/۸۷	۰/۰۰۱
سن	۲	۵۹۲/۵۸	۲۹۶/۲۹	۱/۸۵	۰/۱۵
سن × پایگاه هویت	۴	۳۲۱۱/۱۲	۸۰۲/۷۸	۵/۰۲	۰/۰۰۱

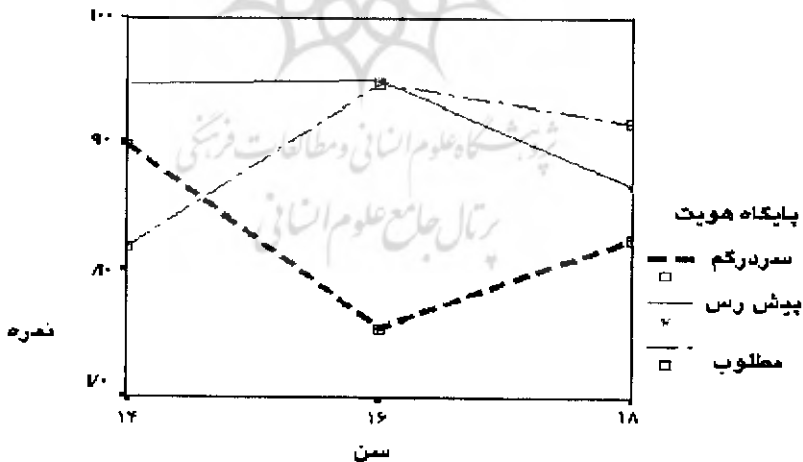


نمودار شماره ۱. ارتباط تعاملی سن و پایگاه‌های هویت با دلبستگی به مادر در افراد نمونه

نتایج تحلیل واریانس دو راهه در ارتباط با پدر نشان می‌دهد که میزان ایمنی دل‌بستگی به پدر در پایگاه‌های هویت در سطح معناداری $0/001$ تفاوت دارد. اما میزان ایمنی دل‌بستگی به پدر در سنین مختلف باهم تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. در سطح معناداری $0/001$ سن و پایگاه‌های هویت با دل‌بستگی به پدر ارتباط تعاملی دارند جدول شماره (۵). ارتباطی تعاملی سن و پایگاه‌های هویت با میزان ایمنی دل‌بستگی به پدر در نمودار شماره (۲) آورده شده است.

جدول شماره ۵. نتایج تحلیل واریانس دو راهه نمرات دل‌بستگی به پدر براساس سن و پایگاه هویت در افراد نمونه

شاخص / منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پایگاه هویت	۲	۳۱۶۷/۴۳	۱۵۸۳/۷۱	۶/۶۹	۰/۰۰۱
سن	۲	۱۲۹/۴	۶۴/۷	۰/۲۷	۰/۷۶
سن x پایگاه هویت	۴	۵۵۷۷/۳۱	۱۳۹۴/۳۳	۵/۸۹	۰/۰۰۱

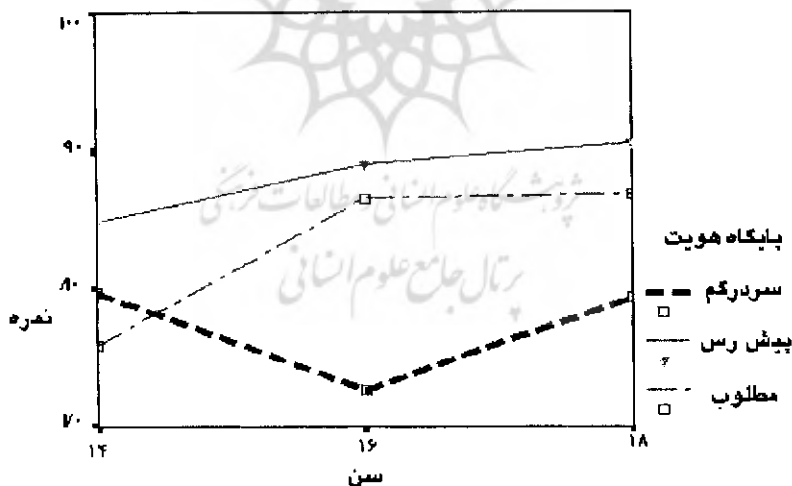


نمودار شماره ۲. ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با دل‌بستگی به پدر در افراد نمونه

میزان ایمنی دلبستگی به همسالان در پایگاه‌های هویت در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت دارد. میزان ایمنی دلبستگی به همسالان در سنین مختلف در سطح ۰/۵۰ تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. تعامل سن و پایگاه‌های هویت با دلبستگی به همسالان در سطح معناداری ۰/۰۱۶ ارتباط دارد جدول شماره (۶). ارتباط تعاملی سن و پایگاه‌های هویت با میزان ایمنی دلبستگی به همسالان در نمودار شماره (۳) آورده شده است.

جدول شماره ۶. نتایج تحلیل واریانس دو راهه نمرات دلبستگی به همسالان براساس سن و پایگاه هویت در افراد نمونه

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	شاخص منبع تغییرات
۰/۰۰۱	۱۱/۳۳	۲۰۸۹/۴۱	۴۱۷۸/۸۲	۲	پایگاه هویت
۰/۰۵۰	۲/۹۹	۵۵۱/۸۸	۱۱۰۳/۷۷	۲	سن
۰/۰۱۶	۳/۰۸	۵۶۹/۳۳	۲۲۷۷/۳۲	۴	سن × پایگاه هویت



نمودار شماره ۳. ارتباط تعاملی سن و پایگاه هویت با دلبستگی به همسالان در افراد نمونه

بحث و نتیجه‌گیری

پیش‌بینی میزان دل‌بستگی ایمن به پدر، مادر و همسالان از روی پایگاه هویتی آنها در تعامل با سن در نوجوانان سنین ۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله اولین پرسش تحقیق بود. نتایج نشان داد که میزان دل‌بستگی به چهره‌های دل‌بستگی با تعامل سن و پایگاه‌های هویت در ارتباط می‌باشد. در این تحقیق بیشترین ایمنی در روابط دل‌بستگی به والدین از آن پایگاه هویت پیش‌رس می‌باشد. کروگر (۱۹۹۶) و استیرگ (۱۹۹۹) اظهار می‌دارند که این افراد بیشترین صمیمیت را در روابط با والدین دارند؛ در تحقیق کنونی این ایده تأیید شد. نتایج این تحقیق در این زمینه با نتایج تحقیق اسکالیتس و بلوستین (۱۹۹۴) به نقل از سامولیس و همکاران (۲۰۰۱) که بین میزان دل‌بستگی ایمن به والدین و هویت پیش‌رس رابطه مثبت معنی‌دار یافتند، هماهنگ است. اما همچنانکه کروگر (۱۹۹۶) اسکالیتس و بلوستین (۱۹۹۴) به نقل از سامولیس و همکاران (۲۰۰۱) نتیجه‌گیری می‌کنند، این روابط عاطفی با والدین برای دفاع از ارزشهای رایج در خانواده است و این روابط عاطفی با والدین، بر سر راه جستجوگری و اکتشاف فرد موانعی را ایجاد کرده که سبب می‌شود فرد زودتر به تعهد برسد و به ارزشها، عقاید و شیوه‌هایی که والدین او پذیرفته‌اند، متعهد شود. این افراد ممکن است بعداً علیه تلقین والدین خود طغیان کنند و بر روی یافته‌های خودشان در زندگی تأکید نمایند (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). این حالت بیشتر زمانی رخ می‌دهد که وارد پایگاه در حال هویت یابی شوند. این افراد زمانی که با چالشهای زندگی مواجه می‌شوند، در این هنگام است که می‌فهمند تعهدات خود را با عجله شکل داده‌اند و می‌پذیرند که با دقت بیشتری در مورد خودشان فکر کنند و همین امر سبب می‌شود که از دل‌بستگی ایمن و اعتماد آنها نسبت به والدین کاسته شود، در عوض احساس خشم و عصبانیت بیشتری به آنها پیدا می‌کنند. از آنجایی که هویت پیش‌رس دارای عناصری چون وابستگی شدید و سطوح بالایی از اضطراب جدایی از والدین می‌باشد، بنابراین مورد انتظار بود که در این گروه دل‌بستگی ایمن زیادی به والدین ملاحظه شود. همان‌گونه که در این تحقیق نشان داده شد میزان دل‌بستگی ایمن در سنین ۱۴ و ۱۶ سالگی بیشترین میزان می‌باشد. اما در سن ۱۸ سالگی این پایگاه در دل‌بستگی ایمن افت قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند؛ این مسأله را می‌توان طبق اعتقاد بنسون و همکاران (۱۹۹۲) به نقل از ماتوس و همکاران (۱۹۹۹) این گونه تبیین نمود که این افراد با افزایش سن بیشتر می‌فهمند که اعتقادات و ارزشهای خود را زود شکل داده‌اند و در واقع این اعتقادات حاصل تلقین والدین است؛ بنابراین به ناچار در مورد سؤالات هویتی خود بیشتر به جستجوگری

می‌پردازند و تحت تأثیر این کنکاش و جستجوگری، ایمنی دلبستگی، اعتماد، ارتباط و بیگانگی آنها به والدین تعدیل می‌شود اما پایگاه‌های مطلوب که هویت خود را با موفقیت شکل داده‌اند؛ با افزایش سن تغییرات قابل ملاحظه‌ای در میزان ایمنی دلبستگی نسبت به والدین نشان نمی‌دهند. بنابراین می‌توان گفت که افراد واقع در پایگاه هویت پیش رس در سنین بالا نمی‌توانند به سؤالهای مربوط به هویت بی‌توجه باشند و هر آنچه را افراد صاحب قدرت دیکته کرده باشند بپذیرند؛ بنابراین از میزان دلبستگی ایمن آنها به والدین کاسته می‌شود. اما افراد واقع در پایگاه‌های هویتی مطلوب به دلیل آگاهی داشتن از هر آنچه که پذیرفته‌اند نه تنها از میزان ایمنی دلبستگی آنها به والدین کاسته نشده است؛ بلکه در این گروه افزایش سن در جهت افزایش میزان ایمنی دلبستگی، اعتماد و ارتباط به والدین می‌باشد. پایگاه هویت سردرگم در تمامی سنین تقریباً از پایین‌ترین میزان ایمنی دلبستگی به والدین برخوردار می‌باشد.

پایین بودن میزان دلبستگی ایمن به والدین در پایگاه‌های مطلوب در مقایسه با پایگاه هویت پیش رس با فرضیه‌ای که مارسیا در این باره عنوان کرده است، مبنی بر اینکه دلبستگی ایمن رشد پایگاه‌های هویتی من را ارتقاء می‌دهد همخوانی ندارد. یکی از احتمالاتی که برای به‌دست آمدن چنین نتیجه‌ای باید در نظر داشت احتمالاً به دلیل تفاوت‌های شناختی در افراد واقع در پایگاه‌های هویت می‌باشد، که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفت. ویس (۱۹۸۴) به نقل از آقاجانی، (۱۳۸۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آزمودنی‌های با پایگاه هویت موفق و در حال هویت‌یابی نمره بالاتری در رشد شناختی نسبت به دو پایگاه دیگر کسب می‌کنند؛ بنابراین افراد موفق و در حال هویت‌یابی به دلیل توانایی‌های شناختی بیشتر، احتمالاً به میزان بیشتری با اعتقادات و افکار والدین درگیر می‌شوند. در پایان در تبیین چنین نتیجه‌ای می‌توان به اظهار نظر کوانتینا و لاپسلی (۱۹۹۰) به نقل از ماتوس و همکاران، (۱۹۹۹) اشاره کرد، آنها بیان می‌دارند: متغیر دلبستگی نمی‌تواند به تنهایی با پایگاه‌های هویت در ارتباط باشد. همان‌گونه که کامپل و همکاران (۱۹۸۴) به نقل از ماتوس و همکاران، (۱۹۹۹) نشان دادند، ترکیبی از دلبستگی ایمن به والدین و تشویق آنها برای استقلال و فردیت می‌تواند با پایگاه‌های در حال هویت‌یابی و موفق در ارتباط باشد. در این تحقیق بیشترین ناایمنی در روابط دلبستگی به والدین، متعلق به پایگاه هویت سردرگم می‌باشد؛ این نتیجه با اعتقاد مارسیا (۱۹۸۹)، به نقل از زیمرمن و بیکر، (۲۰۰۲) و کامپل و همکاران (۱۹۸۴)، به نقل از ماتوس و همکاران، (۱۹۹۹) و با تحقیقات ماتوس و همکاران (۱۹۹۹) و زیمرمن و

بیکر (۲۰۰۲) همخوانی دارد. افراد واقع در پایگاه هویت سردرگم به دلیل عدم امنیت در روابط خود با والدین و به تبع آن نداشتن جستجوگری در حوزه‌های مربوط به هویت و نداشتن یک ادراک جامع از خود در این پایگاه واقع شده‌اند. این افراد به دلیل نداشتن تعهد در زمینه‌هایی چون شغل، ایدئولوژی، مذهب و غیره و تأکید بر زندگی لحظه‌ای و نسبی‌گرایی (اسپرنتال و اسپرنتال، ۱۹۹۴) بیشترین سطح مشکلات روانشناختی و بین فردی را نشان می‌دهند و همین امر سبب می‌شود که آنها با والدین و دیگر افراد کمتر صمیمی بشوند (استیبرگ، ۱۹۹۹).

بیشترین میزان ایمنی دلبستگی به همسالان در پایگاه هویت پیش‌رس و سپس پایگاه در حال هویت یابی و موفق به دست آمده است و پایین‌ترین آن به پایگاه هویت سردرگم مربوط می‌باشد. هویت موفق به تنهایی دارای بیشترین میزان ایمنی دلبستگی به همسالان است. و بعد از آن پایگاه هویت پیش‌رس بیشترین ایمنی دلبستگی را نسبت به همسالان نشان می‌دهد. پایین بودن میزان ایمنی دلبستگی به همسالان در پایگاه هویت سردرگم در تأیید فرضیه استیبرگ (۱۹۹۹) می‌باشد او معتقد است که این افراد کمترین احساس صمیمیت را با دوستان خود دارند. آن گونه که استیبرگ اظهار می‌دارد، همسالان نقش عمده‌ای را در رشد روانشناختی نوجوانان بازی می‌کنند. در حوزه هویت نیز نوجوانان الگوهای متنوع را از همسالان دریافت می‌دارند و از آنها بازخوردهایی می‌گیرند که نمی‌توانند از والدینشان بگیرند. روابط پخته‌تر با همسالان سبب استقلال بیشتر از والدین می‌شود. بنابراین هر نوجوانی که به هویت می‌رسد خواه این هویت یک هویت واقعی (موفق) باشد و خواه هویت کاذب (پیش‌رس)، دوستان و ارتباط با آنها می‌تواند صمیمی و عاطفی باشد. اما به نظر می‌رسد که انتخاب دوستان تحت تأثیر پایگاه هویتی آنها باشد.

رابطه تعاملی سن و پایگاه‌های هویت با میزان ایمنی دلبستگی نشان می‌دهد که با افزایش سن، روند کسب هویت سرعت می‌گیرد و این دو عامل بر میزان ایمنی دلبستگی به همسالان تأثیر مثبت دارد؛ به این معنا که این متغیرها با افزایش ایمنی دلبستگی به همسالان همراه می‌باشد.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در سن ۱۴ سالگی در دلبستگی ایمن تقریباً تفاوت اندکی بین پایگاه‌های هویت وجود دارد. ولی در سنین دیگر تفاوتها تشدید می‌شود؛ در سن ۱۶ و ۱۸ سالگی، پایگاه هویت سردرگم کمترین نمره را در مدل بستگی ایمن به همسالان به دست آورده است. در سن ۱۸ سالگی بالاترین نمره مطلوب در پایگاه هویت

پیش‌رس و پایین‌ترین نمره در پایگاه هویت سردرگم به دست آمده است و پایگاه‌های مطلوب در بین این دو قرار دارد. در حالی که در میزان دلبستگی ایمن به همسالان در پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس از ۱۴ سالگی به ۱۶ سالگی شاهد افزایش آن هستیم؛ در پایگاه سردرگم افت نمرات به چشم می‌خورد، همچنین از ۱۴ به ۱۸ سالگی شاهد افزایش کمی در نمرات پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس هستیم و در پایگاه سردرگم این نمرات کمتر تغییر کرده است؛ احتمالاً دلیل چنین امری این است که در پایگاه‌های مطلوب و پیش‌رس در سنین ۱۴ و ۱۶ سالگی، هنوز همسالان نقش جدی را در هویت ایفا نموده‌اند. اما با افزایش سن نقش همسالان نیز در یاری به تشکیل هویت بیشتر می‌شود.

منابع

- آفاجانی حسین آبادی، محمدحسن (۱۳۸۵) هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک هویت برای دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- رحیمی نژاد، عباس (۱۳۷۹) بررسی تحول هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان کارشناسی، پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۷۹) روانشناسی کاربردی نوجوانی و جوانی (۱)، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- مظاهری، محمدعلی (۱۳۸۲) دستورالعمل نمره‌گذاری پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA)، (چاپ نشده) آزمایشگاه روانشناسی، پژوهشکده خانواده، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی.
- Armsden, G. & Greenberg, M. T. Inventory of parent and peer attachment (IPPA), Unpublished.
- Berger, K. S. (2000). *The Developing person through the lifespan*, New York: worth publishers.
- Kroger, J. (1996), Development and validation of ego - identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551 - 558.
- Matos, P. M; Barabosa, S; Dealmeda, H. M.& Costa, M. E. (1999). Parental attachment and identity in protuges late adolescents, *Journal of Adolescence*, 22, 805 - 818.
- Parra, A. Y.& Queja, I. (2002) *Parents and peen influences on emotional*

adjustment during adolescence. VIII Ear a conference oxford.

Sperintall, N. A. & Sperintall, R. C. (1994) *Educational psychology: Development approach. Tird edition*

Steiberg ,L. (1999) *Adolescence*, New York: McGrow - Hill.

Samulis, J.; Laybum. K. & Schiaffino, K.M. (2001) Identity development and attachment to parents in college students. *Journal of Youth and Adolescence*, 30, 373 - 384.

Zimmeman, P. & Becker-Stoll, F. (2002) Stability of attachment representation of ego - identity status. *Journal of Adolescence*, 25, 107 - 124.

